

ادوارد پالمر تامپسون

---

---

# تكوين طبقه کارگر در انگلستان

---

---

ترجمه

محمد مالحو



## فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار بر ترجمه فارسی	نوشته پرواند آبراهامیان
۱۱	سپاس‌گزاری مترجم	
۱۳	مقدمه	
۱۹	مقدمه سال ۱۹۸۰	

### بخش نخست بهال آزادی

۲۵	فصل یکم) اعضای نامحدود	
۳۴	فصل دوم) مسیحی و آپالین	
۶۶	فصل سوم) «قلعه‌های شیطان»	
۹۰	فصل چهارم) آزادمرد انگلیسی	
۱۱۶	فصل پنجم) کاشت بهال آزادی	

### بخش دوم نهرین آدم ابوالشر

۲۰۵	فصل ششم) استعمار	
۲۲۸	فصل هفتم) فعله‌های مرعه	
۲۵۳	فصل هشتم) پیشه‌وران و دیگران	
۲۹۰	فصل نهم) ناهدگان	
۳۴۱	فصل دهم) سطوح متعارف زندگی و تحریرها	
۳۴۱	یکم احساس	
۳۴۵	دوم مسکن	
۳۵۰	سوم طول عمر	
۳۵۸	چهارم کودکی	
۳۷۶	فصل یازدهم) بیروی دگرگون‌ساز مسیحیت	
۳۷۶	یکم ماشین‌آلات اخلاقی	

## ۸ تکوین طبقه کارگر در انگلستان

۴۰۲	دوم همراه گرایبی یأس
۴۳۴	فصل دوازدهم) احتمال
۴۳۴	یکم فراغت و روابط شخصی
۴۴۹	دوم ماسک هم‌دهشی
۴۶۱	سوم ایرلندی‌ها
۴۷۶	چهارم سساران همیشه

### بخش سوم حضور طبقه کارگر

۴۸۳	فصل سیزدهم) وست میستر رادیکال
۵۰۵	فصل چهاردهم) ارتش تلافی گران
۵۰۵	یکم فابوس سیاه
۵۱۸	دوم جامعه کدر
۵۳۰	سوم قوانین تشکیل ستیرانه
۵۵۵	چهارم پُرگیرها و حوراب‌ناف‌ها
۵۸۸	پنجم رفقای شروودی
۶۱۱	ششم به فرمان اهل حرفه
۶۳۹	فصل پانزدهم) رنان آوران و شهیدان
۶۳۹	یکم نارصایی
۶۴۴	دوم مسائل رهبری
۶۶۷	سوم کلوب‌های همپدن
۶۸۴	چهارم برنذرث و اولیور
۷۰۶	پنجم پیترو
۷۳۷	ششم توطئه حنانان کاتو
۷۴۹	فصل شانزدهم) آگاهی طبقاتی
۷۴۹	یکم فرهنگ رادیکال
۷۸۳	دوم ویلنم کایت
۷۹۹	سوم کارلایل، وید و گست
۸۱۵	چهارم اوبیسیم
۸۴۳	پنجم «نوعی ماشس»
۸۶۹	پی‌نوشت سال ۱۹۶۸
۸۹۳	یادداشت کتاب شاحتی
۸۹۹	سپاس‌گراری‌ها
۹۰۱	گاه‌شمار
۹۱۳	اصطلاح‌نامه
۹۲۵	نمایه

## اعضای نامحدود

«تعداد اعضای ما نامحدود است» این اولین اصل از «اصول راهما»ی انجمن نامه‌نگاری لندن<sup>۱</sup> است، به‌قراری نقل شده از دبیر انجمن که در مارس ۱۷۹۲ با کرد به نامه‌نگاری با انجمن مشابهی در شهر شفیلد<sup>۲</sup> نخستین جلسه انجمن لندن دو ماه قبل‌تر در می‌کده‌ای به اسم بِل<sup>۳</sup> واقع در حیابان اِکستر<sup>۴</sup> از فرعی‌های حیابان استرید<sup>۵</sup> با حضور<sup>۶</sup> «مرد حیرخواه و حدی و کوشا» برگزار شده بود. بیان‌گذار و نخستین دبیر انجمن، تامس هاردی<sup>۷</sup>، بعدها این جلسه را چنین به یاد آورد

بعد از این که شام را مثل همیشه با نان و پیر و آنحو پورتر<sup>۷</sup> صرف کردند و سپس، صم گپ‌وگفتی درباره دشواری روزگار و گرانی انواع مایحتاج زندگی، پپ‌هاشان را بیدود کردند. موضوعی که دور هم دیگر جمع‌شان کرده بود مطرح شد. اصلاح پارلمان، موضوع مهمی که با بود محمل عور و بررسی چنین جمعی از مردان قرار گیرد

از نه‌بری که آن شب حضور داشتند هشت نفر شدید اعضای بیان‌گذار (بهمی هم فکرهايش را کرد و هفته بعد به نقيه پوست) نخستین حق‌عصویت هفتگی یک‌پسی حویش را همان شب پرداختند. هاردی که حراهدار انجمن بید بود نه حانه‌اش در پلاک بهم حیابان پیکادیلی<sup>۸</sup> نارگشت، نا کل و حوهات سامان در حیابهای خودش هشت پس، تقریباً نه‌اندازه کاعدی که برای نامه‌نگاری نا گروه‌های هم‌عقیده‌شان در کشور لارم بود

1 London Corresponding Society

2 *Memoire of Thomas Hardy* Written by Himself (1832), p 16

3 Bell

4 Exeter Street

5 Strand

6 Thomas Hardy

۷ porter نوعی آنحو نارنگ فقهوای تیره و پسند ناربران و سابر کارگران بدی —

8 Piccadilly

دو هفته که گذشت ۲۵ عضو نام‌نویسی شدند و ملع و حوهای حراهدار نه چهار شیلیگ و یک پی رسید شش ماه بعدتر، نا بر ادعا، تعداد اعضا بیش از دوهزار نفر بود شرط عضویت ساده بود، پاسح مشت نه سه پرسش که مهم‌ترین شان چنین بود

آیا صددرصد قبول دارید که یک‌بختی این ممالک سلطنتی در گرو این است که هر فرد نالغ و عاقل و بی‌سوءپیشیه ناید برای تعیین اعضا پارلمان از حق رأی برخوردار باشد؟

اعضا انجمن در بحسین ماه از موحودیت خویش، نه مدت پنج شب پی درپی، این پرسش را نه بحث گذاشتند که «آیا ما کاست‌کاران و معارهداران و فی‌کاران اصلاً هیچ حقی برای احرای اصلاح پارلمان داریم؟» و «ار هر مطری که می‌تواستیم موضوع را در دهن‌های حودمان حلاحی کنیم» درباره‌اش بحث کردند نتیجه گرفتند که، نه، حق دارند

دو سال بعدتر، در دوازدهم ماه مه ۱۷۹۴، پیک پادشاه، دو پادو حیاناان<sup>۱</sup>، مشی مخصوص وریر کشور هری دانلس<sup>۲</sup>، همراه نا سایر حضرات نه حانه پلاک بهم در حیاناان پیکادیلی رسیدند تا تامس هاردی کماش را نه اتهام حیات نه کشور نارداشت کند حانواده هاردی می‌دیدند که مامورها اتاق را ریرو کردند و گنجه لباس را نه‌رور گشودند و میان لباس‌های حانم هاردی که ناردار بود و در رح‌حواب مانده بود حسانی گشتند و چهار دستمال بررگ انریشمی را از نامه‌ها پر کردند و یک کیسه آرد را از دفتر‌چهارها و کتاب‌ها و دست‌نوشته‌ها همان رور بود که پیام مخصوصی از پادشاه نه مجلس عوام درباره اعمال فتنه‌گرانه انجمن‌های نامه‌نگاری ارسال شد دو رور بعدتر بیر کمیته حویه مجلس عوام گماشته شد تا اسناد و مدارک کماش را بررسی کند

کماش را حود هیئت مشاوران سلطنتی چند نار استنطاق کرد هاردی از ایس رویارویی‌ها چندان مدرکی ناقی نگذاشت، اما یکی از رندانیاان هم‌بندی‌اش نا نارساری نمایش‌گونه نارحویی حودش نه‌دست‌نالترین هیئت در حاک بریتانیا حواندگان‌اش را نه وحدا آورد نشویم از حان تیلوال<sup>۳</sup> «احصار شدم و کل شخصیت‌های نمایش را نگرستم که پشت‌نوشته‌ها و دست‌نوشته‌ها سگر گرفته بودند همه پخش‌وپلا در این حان و آن حان نا منتهای نه‌هم‌ریختگی» رییس دیوان عالی و وریر کشور و بحس‌وریر (پیت<sup>۴</sup>) همه حاضر بودند

مدعی‌العموم (نا ملانمت) آقای تیلوال، اسم کوچک شما چیست؟

تیلوال (نا حدی ترش‌رویانه) حان

مدعی‌العموم (هور نا ملانمت) آخر نام حانوادگی تان دو حرف ل دارد یا یکی؟

تیلوال چه یکی، چه دو تا، اهمتی ندارد (نا بی‌قدی اما ترش‌رویانه، یا در همس‌ماه‌ها) بیاری بیست حودتان را نه رحمت بیدارید من نا ندارم هیچ پرسشی را پاسح دهم

پیت چه می‌گوید؟ (سحت حشمگسناه از آن سر اتاق حیر برمی‌دارد و می‌ششد کار رس دیوان عالی)

رئیس دیوان عالی (نا ملایمتی که کمایش نه رمرمه‌ای می‌گراند) می‌گوید قصد ندارد هیچ پرسشی را پاسح دهد

پیت چه؟ چه؟ یعنی چه؟ (حشمگسناه)<sup>۱</sup>

حان تیلوال سپس نه این جمع والا مقام پشت کرد و «نه بحر نقاشی آن‌ریگ فرورفت» بحس‌وریر او را مرحص کرد و حوانک چهارده‌ساله‌ای نه‌اسم هری ایتون<sup>۲</sup> را برای استنطاق احصار کرد که نا حانواده تیلوال رندگی می‌کرد اما حوانک حا برد و «شروع کرد نه ررحوانی سیاسی نا لحس حیلی تند علیه آقای پیت و ملامت‌اش کرد که مالیات‌های حیلی سگیمی بر مردم سسته است»<sup>۳</sup>

اگر معیارهای صد سال بعدتر را ملاک قرار دهیم، هر دو طرف انگار نه‌طرر شگفت‌انگیری نالندند و درباره نقش‌هاشان تردید دارند و مبارعه‌های غیرشخصی گسترده آیده را نه‌طرر عحیی در قالب محادله‌های شخصی تمرین می‌کند<sup>۴</sup> ادب و عداوت درهم‌تیده‌اند در کار ععاد رخواست‌ه از بفرت طقاتی، هور حایی برای مهرورری‌های شخصی ناقی است تیلوال و هاردی و ده رندان دیگر نه برح لندن<sup>۵</sup> و بعدتر نه رندان بیوگیت<sup>۶</sup> فرستاده شدند تیلوال در این هر دو رندان چند صراحی در سرداب نگه داشته می‌شد حانم هاردی در اثر فشاری که هنگام محاصره حانه‌اش نه‌دست رخاله‌های «کلیسا و پادشاه» متحمل شد سر را رفت هیئت مشاوران سلطنتی تصمیم گرفت بر اتهام حیات نه کشور پافشاری کند محارات کامل حیات‌کار چنین بود ناید از گردن نه دار آویخته شود، پیش از آن که نمیرد نه رمین‌اش اندارند، دل‌وروده‌اش را درآورد و حلو دیدگان‌اش سوزاند، آخر هم سر از تن‌اش حندا سارند و تن را چهار شقه کند هیئت مصصه عالی، متشکل از شهروندان آنرومد لندن، شهامت چنین

1 Tribune, 4 April 1795

مقایسه کند نا سد هیئت مشاوران سلطنتی درباره استنطاق از تیلوال «در پاسح نه مشی هست مشاوران سلطنتی که پرسید نام حود را چه‌گونه هجی می‌کند، گف هر حور که صلاح نداند هجی می‌کند ریرا قطعاً هج پرسشی را از هر نوع که ناشد پاسح نخواهد داد» نگرید نه

T S 11 3509 f 83

2 Henry Eaton

3 Morning Post 16 May 1794

۴ بعدها وقی حان بیبر راکوبس ندون برگراری محاکمه در فلعه گلاستر رندانی سد، وریر کشور و همسر و دو دحشرش نه دندارش رفتند.

۵ Tower of London رندان تاریخی لندن—م.

6 Newgate

۱ Bow Street Runners. لقی که مردم روی بحس‌تن بروهای پلیس لندن گذاسته بودند و نار معایی ممی داشت—م

2 Henry Dundas

3 John Thelwall

4 Pitt